«امید به آینده»

در جغرافیای جامعه ما امید به آینده کجاست ؟

نسرین میرزائی

تار و پود زندگی روزمره آدم‌ها به نقطه‌ای ، وسعتی ، حجمی نورانی در افق‌های آن سوی محیط شان ، جایی دورتر از زندگی کلیشه‌ای و یکنواخت آنها تنیده شده است تا بهانه‌ای برای ادامه حرکت آنها باشد. بهانه‌ای که شاید امروز تمام آمال و آرزوهای آنها را در برگیرد و فردا به سرابی تبدیل شود. اما چیزی که مهم است مجموعه رقصان این نقاط نورانی است که در زندگی هر فرد انگیزه تکاپو و طی طریق زندگی اورا تشکیل می‌دهد؛ مجموعه‌ای که آن را «امید» می‌نامیم؛ انگیزه‌ای برای زندگی، بهانه‌های راستین عبور از دشواری های زندگی و آرزو برای رسیدن به زندگی ایده‌آل .

در اجتماع نیز این گونه است . امید به آینده بهتر و بهبود وضعیت زندگی برتر در افراد، تلاش آنها را در راه رسیدن به رفاه و امنیت کامل اجتماعی افزایش می‌دهد.

در جوامع مختلف به‌میزان رسیدن افراد به حداقل رفاه اجتماعی در وادی تلاششان، امید به آینده متغیر می‌باشد گاه با نیرو و پرنشاط و گاه کم رمق و کمرنگ به راه خود ادامه می‌دهد. وقتی شرایط برای فرد مهیا می‌شود تا آمال و آرزوهای ملموس خود را جامه عمل بپوشاند آن گاه او با نیروی فعال و پویایی بیشتر در زندگی قدم برمی‌دارد و آینده برای او پراز امید و نشاط می‌شود.

و هنگامی که رفاه اجتماعی همچون حقوق شهروندی، تامین اجتماعی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و عدالت اجتماعی و... و... در سطح جامعه تحقق یافت می‌توان به آینده اندیشید و برنامه‌ریزی‌های کلان در درازمدت داشت.

حال باید دید در جامعه ما تا چه حد زمینه برای مهیا شدن رفاه اجتماعی فراهم شده است تا افراد به آینده امیدوار باشند. آیا تک تک افراد برای آینده خود برنامه‌ریزی کرده‌اند تا محورهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز به سرعت برای رسیدن به برنامه‌های آنها به حرکت بیفتد؟

جوناتان لیونگستون می‌گوید:پرنده زمان بسیار سریع پرواز می‌کند آنان که به ارزش زمان آگاهند باید از هر لحظه آن حداکثر بهره را برده و هر ذره آن را چون لذیذترین مائده آسمانی در کام خود فرو برند یا بهتر بگوییم هر ذره آن را چندین بار در دهان مزه مزه کنند. ما در هر یک از لحظات زندگی باید تصمیم قطعی بگیریم و مسابقه زندگی را به قصد پیروزی قطعی دنبال کنیم.

معمولا افراد یا در حال و لحظه زندگی می‌کنند و یا در گذشته و آینده . درجامعه ما به طور معمول آینده برای افراد افق‌های روشنی در برندارد آنها برای اینکه بتوانند از لحظات زندگی خود نهایت استفاده را داشته باشند لحظه را غنیمت دانسته و برنامه‌ریزی های خود را در زمان حال پی‌ریزی می‌کنند.

دکتر حسین اسکندری روانشناس ، روحیه امید را در میان مردم مثبت ارزیابی می‌کند و می‌گوید: ایرانیان مردم امیدواری هستند و درواقع شوق به آینده شان همیشه خوب است منتها چیزهایی‌که ممکن است این روزها امید به آینده را درمیان مردم تحت الشعاع قرار دهد، دغدغه‌های اجتماعی و التهاب هایی است که در جامعه به صورت آشکار و پنهان خودش را نشان می‌دهد و سبب‌می‌شود که امید با هاله‌ای از ابهام‌مواجه شود.

وی در ادامه می‌افزاید: اگر به دایره پنهان رفتارهای اجتماعی مردم توجه کنیم می‌بینیم که مردم ما ، مردم امیدواری‌هستند چرا که این امیدواری را می‌توان در نوع فعالیت‌ها، اعتراض‌ها و دغدغه‌هایی که دارند دید. به طوری‌که اگر آنها مایوس می‌شدند و امیدی نداشتند شاید اصلا تحرک اجتماعی را کنار می‌گذاشتند و در واقع بی‌تفاوتی را پیش می‌گرفتند اماهمانطور که می‌بینیم مردم ما مردم بی‌تفاوتی‌نیستند. اما در حساسیت‌هایشان نوسان دارند که باید فکر اساسی برای‌نوسان‌ها و در واقع التهاب‌هایی که وجود دارد کرد.

چندی‌پیش ماهنامه اقتصاد ایران ، چشم‌انداز وضعیت اقتصادی سال ۸۱ را ا زدیدگاه مردم با عنوان« فقط ۲۸ درصد مردم امیدوارند وضع زندگی شان بهتر شود » بررسی‌کرد. نتایج به دست آمده در این نظرسنجی نشان دهنده این است که عده زیادی همچنان معتقدند که وضعشان در سال آینده تغییر نمی‌کند این افراد ۴۳/۳ درصد کل افراد پاسخ دهنده به این نظرسنجی را تشکیل می‌دهند در مقابل، ۲۷/۸ درصد امید دارند تا موقعیت بهتری‌در سال آینده داشته باشند و ۲۵/۶ درصد در انتظار وضعیت‌بدتری درسال آتی‌اند. دراین نظر سنجی کسانی که وضعیت بهتری‌را درسال پیش پشت سرگذاشته‌اند، دلایل آن را یافتن شغل بهتر وتلاش بیشتر (۲۸/۵۷ درصد)افزایش در آمد و سرمایه گذاری در کار جدید وتغییر در نوع آن (۷/۱ درصد)دانسته‌اند و بقیه نیز دلیلی‌برای‌پاسخ خود ذکر نکرده اند.

دلایل بدتر شدن وضعیت اقتصادی در سال ۸۰ نسبت به سال ۷۹ تورم و افزایش هزینه‌ها اعلام شده است. دلایل دیگری همچون وجود مفسدان اقتصادی، وضعیت بد اقتصاد، ازدواج و افزایش جمعیت نیز در میان پاسخ‌هامشاهده می‌شود.

در بسیاری از اوقات مردم به این دلیل امید شان را از دست می‌دهند که تفسیرشان از دنیای اطراف واقع بینانه نیست

جوامع دیگر چطور است. و قتی‌در یک جامعه رفاه بیشتر باشد افراد احتمال دسترسی‌را بیشتر می‌بینند پس امید به آینده افزایش پیدا می‌کند و برعکس هر چه در جامعه مصائب و مشکلات بیشتر باشد امید به آینده به طور عموم کاهش پیدا می‌کند.

این شاخص در جامعه ما خیلی‌متغیر است یعنی‌گاهی اوقات که مردم حس می‌کنند اصلاحاتی در حال رخ دادن است طبیعتا این شاخص افزایش پیدا می‌کند، به‌طور مثال بعد از سال‌های‌جنگ وقتی طرح یا تئوری رفاه

امید به آینده بهتر و بهبود وضعیت زندگی در افراد، تلاش آنها را در راه رسیدن به رفاه و امنیت کامل اجتماعی افزایش می‌دهد

پاسخ دهندگان امیدوار که معتقدند سال خوبی را در پیش خواهند داشت: دلایل خود را رونق در کار، تعهدات دولت به کارمندان و ارتقای شغلی دانسته‌اند. کسانی که از پیش خود رابرای رویارویی با وضع بد سال آتی آماده کرده‌اند، دلایل خود را تورم (۶۰/۸۶درصد) ، افزایش هزینه‌ها (۸/۶۹درصد)، افزایش جمعیت و رکود اقتصادی دانسته‌اند. راه حل‌های متفاوت ارائه شده حاکی از آشنایی مردم با مشکلات اقتصادی‌است و کم و بیش نشان از دغدغه‌های مردم دارد.

مهمترین دغدغه مردم تورم و مهمترین خواسته آنان ثبات قیمت هاست که ۳۹ درصد افراد آن را اصلی‌ترین راه‌حل خوانده‌اند. دیگر راه‌حل‌ها از دید مردم ، تغییر ساختار اقتصادی، توزیع عادلانه ثروت ، افزایش دستمزدها، برنامه اشتغال و بهبود وضعیت شغلی، پرداخت یارانه نقدی و جلوگیری از رانت خواری است.

دکتر شهلاکاظمی‌پور: مراکز فرهنگی مثل صدا و سیما و مطبوعات می‌توانند با خودداری‌از منفی بافی و همچنین روشن‌سازی ذهن مسوولان نسبت به راه‌حل‌ها، در ارتقای امید مردم به آینده موثر باشند

در این میان ، راه‌حل‌هایی چون کنترل جمعیت ، گسترش بخش خصوصی و بهره‌وری بالاتر نیز مطرح شده است.

دکتر شهلا کاظمی‌پور، جامعه‌شناس در پاسخ به این سوال که این پارامتر در میان مردم ایران در چه رتبه‌ای قرار دارد می‌گوید:

امید به آینده درمیان مردم دوجنبه دارد: یکی متمرکز بر روی خود فرد است که چقدر برای خودش برنامه ریزی کرده باشد و دیگری در سطح کلان جامعه است که فرد آینده جامعه را چگونه می‌بیند، معمولا در جامعه ما این موضوع مرتبط است با مسائل سیاسی و ارتباطاتی که مردم با دولت ودولت با دولت‌های دیگر دارد. تقریبا می‌توان گفت امیدبه آینده در بین مردم ایران درحد متوسط ضعیف تعریف می‌شود.

وی‌در این زمینه علاوه بربهبود وضعیت اقتصادی به اهرم‌های دیگری نیز که در امیدواری بیشتر مردم به آینده موثر است اشاره می‌کند و می‌گوید:

در این زمینه ثبات سیاسی خیلی موثر است البته بحث زیر بناهای اقتصادی جامعه از پارامترهای مهم است اگر افراد ببینند که در جامعه سرمایه‌گذاری می‌شود و برنامه‌های زیربنایی درحال اجرا هستند، افق را برای آینده روشن می‌بینند چون این افق به مقدار زیادی مربوط به مسائل اقتصادی‌می‌شود.

وی در ادامه می‌افزاید: قطعا بهبود وضعیت اقتصادی میسر است، ولی‌این بهبود به میزان زیادی مرتبط است با زیربناهای سیاسی و فرهنگی؛ یعنی توسعه اقتصادی به میزان زیادی متاثر است از ثبات سیاسی جامعه و ثبات فرهنگی جامعه .

براساس تحقیقی که مدتی پیش به کوشش مسعود رجبی، دانشجوی دانشگاه تهران صورت گرفته، آمده است: عدم امید به جایگاه مناسب ، احساس ناامنی فکری و عدم توجه به خلاقیت‌ها و شایستگی متخصصان از سوی مسوولان ، نبود امکان دسترسی مناسب به ابزارهای پژوهش علمی ، سرخوردگی از تنش‌های‌سیاسی وعدم شایسته سالاری در ارائه پست‌های اجرایی و دانشگاهی از عوامل گرایش دانشجویان و متخصصان دانشگاهی به مهاجرت از کشور را تشکیل می‌دهد.

در این تحقیق صراحتا اشاره شده که نارسایی‌های اقتصادی عدم ثبات سیاسی در داخل و امید به زندگی بهتر در کشورهای پیشرفته ، ازمهمترین عوامل ترغیب دانشگاهیان به مهاجرت است .

طبق این تحقیق مشخص شده است که مهاجرت نخبگان به خارج از کشور یکی از پیامدهای منفی‌ناامیدی مردم به خصوص جوانان از بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در کشور است .

دکتر مسعودآبیار روانشناس درابتدا به تعریف امید از نظر روانشناسی می‌پردازد و می‌گوید: امید یعنی اینکه ما چیزی‌را بخواهیم ، میل داشته باشیم و باور داشته باشیم که قابل تحقق است.

وی در مورد رتبه امید به آینده در میان مردم نسبت به جوامع دیگر می‌گوید: طبیعتا امید در افراد مختلف متفاوت است ، ما نمی‌توانیم یک حکم واحد در افراد جامعه بدهیم . این پارامتر در اقشار مختلف و گروه‌های مختلف اجتماعی متفاوت است، امابه طور میانگین می‌توانیم بگوییم وضعیت این شاخص در این جامعه چگونه است و در اجتماعی مطرح شد این شاخص به مقدار زیادی در سطح جامعه افزایش پیدا کرد ، اماوقتی دوره سازندگی مدت زمان طولانی را طی‌کردو مردم ما چیزهایی‌را که تصور می‌کردند به دست نیاوردند این شاخص به مقدار زیادی‌افت کرد و مجددا در سال ۷۶ که تصور براین بود که اصلاحات قرار است برای مردم چیزهای زیادی به ارمغان بیاورد این شاخص رشد زیادی داشت، ولی‌در حال حاضر با توجه به‌شرایط اجتماعی ایجاد شده کاهش پیداکرده است.

وی خاطرنشان می‌کند؛ درست است که پدیده‌های اجتماعی بر روی امید افراد به آینده تاثیر می‌گذارد، اما تعبیر و تفسیری که ما از پدیده‌هامی‌کنیم شرط بسیار مهمی است یعنی این من هستم که باور دارم که مثلا فلان آرزو تحقق پیدا می‌کند یا نه و این باور مقدار زیادی وابسته به تصویری است که مااز خودمان داریم، یعنی راجع به این که من چه کسی هستم، دنیای اطرافم چیست و من با دنیای‌اطرافم چه ارتباطی دارم . به طوری‌که خیلی اوقات عملا می‌بینیم که افراد امیدشان را به دلیل این که تفسیرهایی که از دنیای‌اطرافشان دارند تفسیرهای واقع بینانه‌ای نیست از دست می‌دهند.

دکتر حسین اسکندری: اگر به دایره پنهان رفتارهای اجتماعی مردم توجه کنیم می‌بینیم که مردم ما، مردم امیدواری‌هستند. این امیدواری را می‌توان در نوع فعالیت‌ها، اعتراض‌ها و دغدغه‌هایی که دارند جستجو کرد

به طور مثال، فردی می‌خواهد کاری را انجام دهد و نهایتا در آن کار موفق نمی‌شود و آن را بیش از حد به تمام امورش تعمیم می‌دهد و امید خود را از دست می‌دهد. «مارتین سیلک‌من» در این زمینه به ناتوانی آموخته شده اشاره می‌کند و می‌گوید؛ خیلی از مردم دچار ناتوانی آموخته شده‌اند؛ وی‌این ناتوانی را به سه جزء تقسیم می‌کند که این سه جزء سبب می‌شود فرد امیدش را از دست بدهد.

اول این که فرد یک مورد شکست را تعمیم بیش از حد می‌دهد و فراگیرش می‌کند، دوم این که در کاری که فرد در آن شکست خورده ممکن است عوامل زیادی نقش داشته باشد، اما او مساله را شخصی سازی می‌کند و فکر می‌کند شخصیتش اشکال دارد و هویت فردی خودش را زیر سوال می‌برد و سوم این که فرد دنبال کاری رفته و نشده که این «نمی‌شود» سبب می‌شود او انگیزه ادامه دادن تلاشش را از دست بدهد.

دکتر کاظمی پور در مورد نقش صدا و سیما و مطبوعات در ارتقای امید به آینده در روحیه مردم می‌گوید: مراکز فرهنگی مثل صدا و سیما و مطبوعات از دو جنبه می‌توانند در این زمینه موثر باشند ، یکی اینکه از منفی‌بافی و منفی‌تراشی جلوگیری کنند و نظریه انتقادی را به سمت انتقادات زنده ببرند و دیگر اینکه می‌تواند در روشن سازی ذهن مسوولان درمورد راه‌حل‌ها و گره‌های اقتصادی جامعه و ثبات سیاسی نقش موثری را ایفا کند به طوری که راه حل‌های پیش رو را درمورد یک جامعه سالم شفاف سازی کند.

دکتر آبیاری نیز در مورد نقش رسانه‌ها در تحکیم و ارتقای این شاخص در میان مردم می‌گوید : یکی از عوامل تعیین کننده در این مورد رسانه‌های جمعی هستند که نقش بسیار کلیدی دارند. به طور مثال اگر هر روز، روزنامه‌ای راباز کنیم که تمام صفحات آن مربوط به اخبار و تحلیل‌های بیکاری، جنگ، فقر و خشونت و قتل و غیره باشد به طور قطع این تحلیل‌ها امید به آینده را درجامعه افت خواهد داد.

صدا و سیما نیز همین‌طور است و بزرگترین نقش را در این فرهنگ‌سازی به عهده دارد. به طوری‌که اگر در صدا و سیما دائما برنکات منفی جامعه دست گذاشته شود، تصور افراد از جامعه منفی می‌شود واین سبب می‌شود که امید نیز در دل مردم کاهش یابد، البته ما نمی‌گوییم که صدا و سیما باید شرایط را ایده‌آلی تلقی کند، اما در جامعه ما همان طور که پدیده‌های منفی اتفاق می‌افتد، پدیده‌های مثبت نیز اتفاق می‌افتد، به طور مثال همان طور که در تلویزیون برنامه‌ای داریم که اتفاقات ناگوار را به تصویر می‌کشد می‌توانیم به موازات آن برنامه‌ای نیز داشته باشیم که به موفقیت‌ها و اتفاقات مثبت جامعه اختصاص یابد.

آیا در کلان‌شهری مثل تهران فقط قتل و ناامنی و جنایت و ... وجود دارد؟! اگر نکات مثبت نیز هست، چرا به معرض نمایش گذاشته نمی‌شود و اگر بگوییم وجود ندارد پس مردم حق دارند که احساس ناامنی کنند و احساس امید به آینده را از دست بدهند.

داخل‌تاکسی نشسته‌ای و مسیر عادی روزمره را طی می‌کنی، میدان ... را بسته‌اند، راننده مجبور می‌شود، مسیرش را عوض کند، به ترافیک سنگینی برمی‌خورد ، همه راننده‌ها با بوق زدن و خلاف رفتن می‌خواهند خودشان را از این مخمصه هرج و مرج برهانند.راننده عصبانی است و غر می‌زند، مسافرها دیرشان شده و کلافه اند، هرکس چیزی می‌گوید و همه حرفها منفی و انتقادی است ، اما مسافری در این میان با خونسردی به راننده می‌گوید: آقا غصه نخور همه چیز درست می‌شه ، همه ساکت می‌شوند و تو می‌اندیشی که انگار در جامعه کنونی‌مان امید به بهبود وضعیت اجتماع در دل مردم به طنز تلخی تبدیل شده‌است .
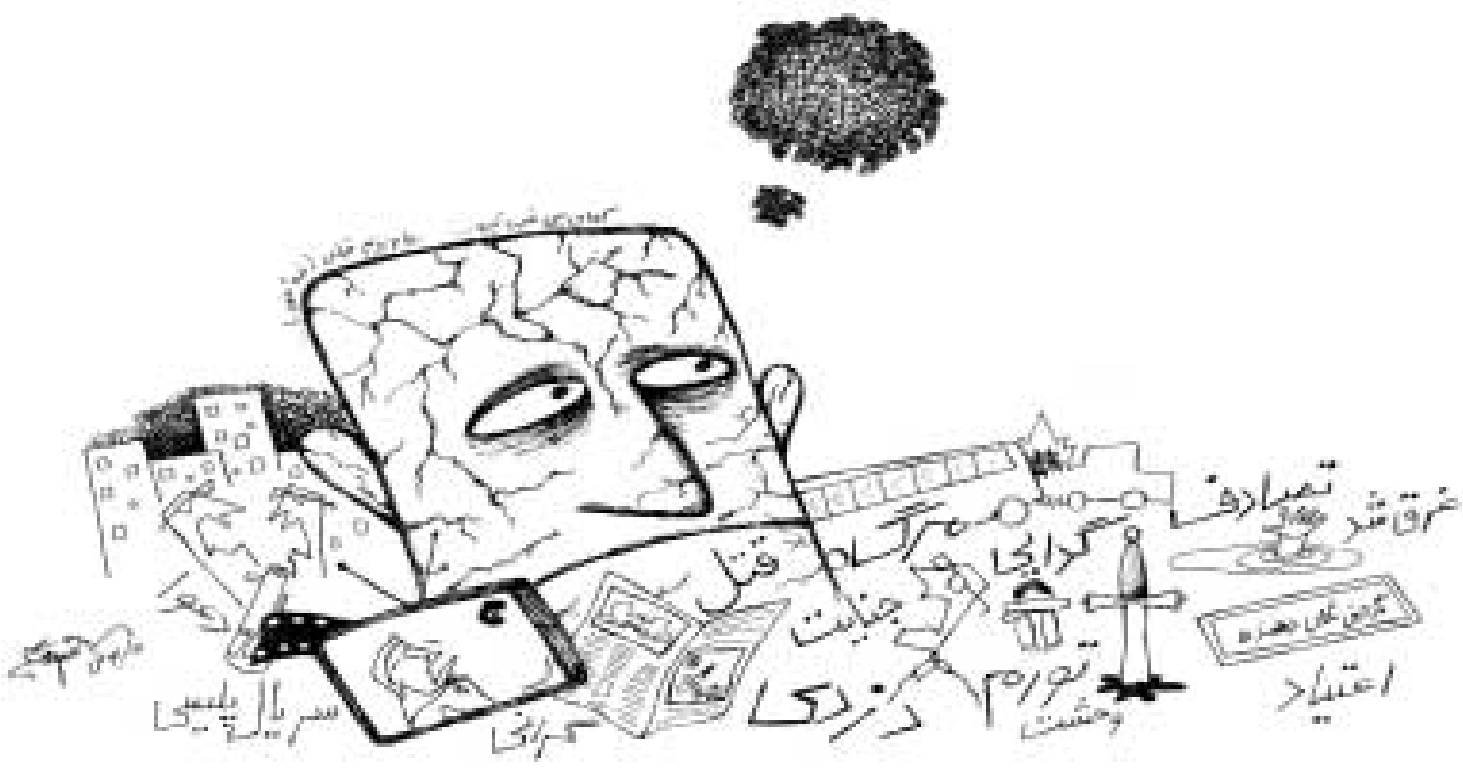
گاهی امید در نگاه معصومانه و صورت خشکیده یک کودک خیابانی می‌تواند بسیار پررنگ تر و زنده تر از امید در تصمیم یک انسان متمول ، در اندیشه یک روشنفکر و هنرمند و در پیروز مندی یک قهرمان ورزشی باشد، چرا که ممکن است امید برای آن کودک با فروختن تمام آدامس‌هایش به مفهومی عمیق تبدیل شود و برای دیگران به مثابه کورسویی دور جلوه‌گر شود.